

مقایسه روش های تربیتی خانواده های منسجم و گسسته و تاثیر آن بر رفتارهای اخلاقی - اجتماعی فرزندان

شهلا انزلچی^۱

علی اکبر سیف^۲

هادی بهرامی^۳

مهرداد نوابخش^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی روشهای تربیتی خانواده های منسجم و گسسته و تاثیر آن بر رفتارهای اخلاقی-اجتماعی فرزندان بود. بدین منظور در یک پژوهش توصیفی از نوع پس رویدادی از جامعه ی آماری مشتمل بر تمامی پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله ی مقیم در ندامتگاه شهر اراک تعداد ۴۵ نفر به همراه والدینشان به روش در دسترس انتخاب و ۴۵ نفر از پسران مشغول به تحصیل که سابقه ی تخلف انضباطی نداشتند به همراه والدینشان با آنها همتا شدند. ابزار اندازه گیری در پژوهش حاضر پرسشنامه های جمعیت شناختی، اقتدار والدین، انسجام خانواده و مصاحبه ساختارمند ویژه والدین بود. داده های به دست آمده با استفاده از آزمون t برای گروههای مستقل و آزمون یو مان ویتنی تحلیل شد. نتایج نشان داد که در خانواده های منسجم به طور معناداری اقتدار، قانون مداری، نفوذپذیری، سهل گیری، اتحاد و همسویی، پذیرش، کارکرد عاطفی، انعطاف پذیری، و نقش پدرانه و مادرانه ، هم در پدران و هم در مادران، بیشتر و استبداد پدران کمتر از خانواده های گسسته بود. ضمن اینکه رفتارهای اخلاقی- اجتماعی فرزندان خانواده های منسجم به طور معناداری بیشتر از فرزندان خانواده های گسسته بود ($P < 0/05$).

کلید واژه ها: خانواده منسجم، خانواده گسسته، روشهای تربیتی، رفتارهای اخلاقی- اجتماعی.

sh-anzalchi@iau-arak.ac.ir

^۱ دانش آموخته دکتری روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۲ استاد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران

^۳ استاد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران

^۴ استاد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

خانواده شالوده حیات اجتماعی است و گذشته از وظیفه تکثیر نسل و کودک‌پروری برای بقای نوع بشر، وظایف متعدد دیگری از قبیل تولید اقتصادی و فرهنگ‌پذیر کردن افراد را نیز به عهده دارد. بنابراین خانواده واسطه‌ای است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه‌ها، سازمان‌ها، جامعه، نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی به وی ایفا می‌نماید. از سوی دیگر با توجه به اینکه خانواده با نظام پایگاهی جامعه در ارتباط است، موقعیت فرد نیز تا حدودی مبتنی بر موقعیت اجتماعی خانواده‌اش خواهد بود، همچنین خانواده تأثیر مهمی بر بازده‌های تربیتی و رشدی فرد دارد (مورگان^۱، ۱۹۸۵، پونزیتی^۲، ۲۰۰۳، به نقل جعفری، ۱۳۸۸).

خانواده مهمترین و متداول‌ترین گروه اجتماعی بشر است. بنابراین تلاش برای درک حرکت‌های خانواده بسیار جذاب است. روابط خانوادگی به شدت، شخصیت و شادی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین درک چگونگی کارکرد این تعاملات و تأثیر آن‌ها در زندگی ما بسیار با اهمیت است. به واسطه ی گوناگونی جنبه‌هایی که باید در مطالعه خانواده در نظر گرفته شود، شکل‌دهی یک تئوری منسجم برای عملکردهای درون خانواده آسان نیست. هر تئوری، تعریف خاص خود را دارد و همگان بر یک تعریف خاص اتفاق نظر ندارند و هر تئوری‌ای، دیدگاه متفاوتی از دیگر تئوری‌ها ارائه می‌دهد (سامانی، ۲۰۱۱، ۲۸۶).

در زمینه تعریف خانواده، در بعضی از تحقیقات علمی، پیشروی تدریجی ساختاری به تعاریف کارکرد محور مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، به جای اینکه به خانواده به صورت ترکیبی از افرادی که در درجه اول از لحاظ قانونی و زیست‌شناختی با هم ارتباط دارند نگاه شود، کارشناسان به طور روزافزون خانواده را به صورت گروهی از افراد صمیمی تعریف می‌کنند که دارای گذشته و آینده‌ای مشترک هستند و پیوندهای قوی عاطفی و وفاداری، و حسی از هویت گروهی و تعهد دارند (فیتزپاتریک^۳، ۲۰۰۴، ۱۷۳).

¹.Morgan

².Ponseti

³.Fitzpatrick

در ابتدا چنین تصور می‌شد که رابطه بین والد و فرزند در خانواده به صورت خطی است (به این صورت که والدین بر فرزندان تأثیرگذار هستند) سپس دیدگاه به سمت ارتباط متقابل تغییر کرد. ارتباط متقابل بر این اصل استوار است که هر یک از اعضای خانواده می‌تواند بر دیگری تأثیر بگذارد و تأثیر بپذیرد (کوت و والاندرا^۱، ۲۰۰۱). پس از آن در دیدگاه سیستمی، خانواده مجموعه‌ای از عناصر به حساب آمد که در این مجموعه هریک از عناصر دارای نقش‌های تعیین شده و درعین حال پویا می‌باشد (السون^۲، ۱۹۹۹، ۱۵۲) و هر بخش بر بخش‌های دیگر تأثیر گذاشته و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد (کلاین و وایت^۳، ۱۹۹۶، به نقل سیگلمن و روزنهان^۴، ۱۹۹۸). براین اساس سامانی^۵ (۲۰۰۵) خانواده را سیستمی پویا که شامل چند عنصر با رابطه ویژه (که سیستم خانواده را از سیستم‌های دیگر متمایز می‌کند) که در یک محیط خاص تحت یک قرارداد اجتماعی مشخص و با تولیدی خاص می‌باشد، تعریف می‌کند.

روابط گرم و حمایت‌گرانه والد - فرزند ارتقاء عملکرد شناختی، رفتاری، و عاطفی فرزند را در پی دارد (بردلی و کالدول^۵، ۱۹۹۵؛ آتزابا - پوریا و پایک^۶، ۲۰۰۵؛ باربر، استولز و السن^۷، ۲۰۰۵؛ دالیر و وینرآوب^۸، ۲۰۰۵؛ و سیمن، ترنر، هیل، استفورد و واکر^۹، ۲۰۰۵، به نقل ویلن و استیوارت - براون^{۱۰}، ۲۰۰۸)، در حالی که آن دسته از روابط سرد، غیردلسوزانه یا مسامحه‌کارانه ریسک بروز مشکلات عاطفی و رفتاری را هم در دوران کودکی و هم در دوران نوجوانی افزایش می‌دهد (رپتی، تیلور و سی من^{۱۱}، ۲۰۰۲، به نقل ویلن و استیوارت - براون، ۲۰۰۸). به همین ترتیب، کنترل روانشناختی (ترک اعتیاد عاطفی یا ترک دلبستگی، ابراز دلسردی یا شرمندگی، القاء احساس گناه، و تمایل شدیداً حامیانه یا تملک جویانه) و کنترل رفتاری (نظارت، مراقبت و مدیریت خانواده) نتایج و پیامدهای متفاوتی را برای فرزندان به همراه دارند. کنترل روانشناختی و کنترل رفتاری سختگیرانه می‌تواند منجر به هر دو اختلال درونی سازی (اضطراب و افسردگی) و برونی سازی (اختلال کرداری و بیش فعالی) گردد (رپتی و همکاران، ۲۰۰۲؛ تامپسون، رینور، کورناه، استیونسون و سونوگا- بارک^{۱۲}، ۲۰۰۲؛ کانوی، اولکو- استینر، کوکس و بورچینال^{۱۳}، ۲۰۰۳؛ و کاساس، ویگل، کریک،

¹ Koot & Wallander

² Olson

³ Klein & White

⁴ Seligman & Rosenhan

⁵ Bradley & Caldwell

⁶ Atzaba-Poria & Pike

⁷ Barber, Stolz, & Olsen

⁸ Dallaire & Weinraub,

⁹ Seaman, Turner, Hill, Stafford, & Walker

¹⁰ Waylen & Stewart-Brown

¹¹ Repetti, Taylor, & Seeman

¹² Thompson, Raynor, Cornah, Stevenson, & Sonuga-Barke,

¹³ Kanoy, Ulku-Steiner, Cox, & Burchinal

اوسترو، وودز، یه^۱ و همکاران، ۲۰۰۶، به نقل ویلن و استیوارت - براون، ۲۰۰۸، در حالی که کنترل رفتاری مناسب و متعادل نتایج مثبتی همچون خود - تنظیمی و انطباق را در پی دارد (آونولا و نورمی^۲، ۲۰۰۵، به نقل ویلن و استیوارت - براون، ۲۰۰۸). در ۱۹۴۷ بالدوین^۳ فرزندپروری را به عنوان امری مرتبط با کنترل، دموکراسی، و فعالیت توصیف و طبقه‌بندی میکند. با بسط این مفهوم پردازی طی سال‌های ۱۹۶۰، عواطف، پذیرش والدین در مقابل طرد والدین و نیز کنترل والدین به حیطة فرزندپروری افزوده گشت. متعاقباً، در دهه ۷۰ بامریند^۴ رفتارهای فرزند پروری را در سه گروه آمرانه (مستبدانه)، مقتدرانه، و سهل‌گیرانه طبقه‌بندی می‌کند (بامریند، ۱۹۷۱، به نقل ویلن و استیوارت - براون، ۲۰۰۸). اخیراً، تأثیرات مفاهیم عام‌تری چون حمایت والدین و کنترل والدین مورد توجه محققان قرار گرفته است (تامپسون و همکاران، ۲۰۰۲). نوعی سبک فرزندپروری غیردرگیر پدیدار گشته است که مشخصه آن اهمال و بی‌عملی والدین است که دلیل آن یا طرد و نفی فرزندان از سوی والدین است و یا دغدغه‌ها و اشتغال فکری والدین در مورد استرس‌ها و مشکلات خودشان (پاکت، بولته، تورکوت، دوبوآ و بوچارد و همکاران^۵، ۲۰۰۰، ویلن و استیوارت - براون، ۲۰۰۸) و بنابراین، از والدین گرم و با محبت اما سهل‌گیر و غیرکنترل‌کننده بامریند متمایز می‌گردند.

¹ . Casas, Weigel, Crick, Ostrov, Woods, Yeh

² . Aunola & Nurmi

³ . Baldwin

⁴ . Baumrind

⁵ . Paquette, Bolte, Turcotte, Dubeau, & Bouchard,

انسجام، به عنوان یکی از ساختارهای پرنفوذ خانواده، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به هم دارند (السون، ۱۹۹۹). لینگرن^۱ (۲۰۰۳، به نقل زارع و سامانی، ۱۳۸۷) انسجام را به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر تعریف می‌کند، از نظر او دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن همراه با هم است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و همچنین ممانعت از تأثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی در آن، می‌باشد. بعد دیگر انسجام از نظر لینگرن (۲۰۰۳، به نقل زارع و سامانی، ۱۳۸۷)، وقت گذاشتن و با هم بودن در بین اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند، به طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند.

خانواده از هم گسیخته خانواده ای است که به دلیل از دست دادن پدر یا مادر خانواده بر اثر مرگ، طلاق و جدایی، در اکثر موارد برای تربیت فرزندان و سازگاری اجتماعی آن‌ها دچار مشکل می‌باشد. در چنین خانواده‌هایی، فرد با احساس ناکامی و محرومیت، کمبود محبت و خلاء واکنش عاطفی مواجه است و در صورتی که فردی جانشین والدین خانواده شود، احتمال اختلال در هویت خانوادگی و عدم پذیرش او از سوی فرزندان و سازگاری با وی و فرزندان ناتنی وجود دارد که همین امر می‌تواند زمینه اختلالات رفتاری را فراهم کند (معتمدی، ۱۳۸۲: ۲۶۴).

فرزندی که در خانواده‌های از هم جدا شده بزرگ می‌شوند، در مقایسه با خانواده‌هایی که پدر و مادر همیشه با هم در حال کشاکش هستند، مشکلات رفتاری کمتری دارند. بدیهی است بچه‌هایی که در خانواده‌های پریشان بزرگ می‌شوند، چنانچه پدر و مادر دوستانه از هم جدا می‌شدند، از نظر روانی سالم‌تر بار می‌آیند. امروزه این سنت قدیمی که ترجیح دارد پدر و مادر به خاطر سعادت فرزند، زندگی را ادامه دهند، دیگر اعتبار ندارد. در واقع کودکان بیشتر به کیفیت و فرآیند تعاملی روابط خانوادگی می‌اندیشند تا حفظ ساختار خانواده (جوادی یگانه، عدل، ۱۳۸۴: ۷۶).

تجزیه و تحلیل پژوهش‌های انجام شده بر روی تأثیر فرضی خانواده‌های از هم پاشیده (تک والدی) و طلاق، و نیز سازگاری، ستیز و کشمکش زوجین در طول زمان، بر بزهکاری کودکان، نشان می‌دهد طلاق، جدایی، خانواده‌های تک والدی و ازدواج مجدد، بازنمای منابع رنج، اضطراب و تردید از هر نوع هستند (جوادی یگانه، عدل، ۱۳۸۴: ۷۸). ضمن این که بر اساس یافته‌های جلز^۲ (۱۹۸۹) در بررسی علمی بر روی شش هزار خانواده آمریکایی دریافت که والدین تنها، بیش از خانواده‌های دو والدی، از شکل‌های آزارنده خشونت استفاده می‌کنند.

اما در عین حال، تحلیل پژوهش‌ها در مورد نقش خانواده، منجر به این نتیجه شده که عوامل رابطه‌ای نقش تعیین کننده‌تری از عوامل ساختاری دارند. به عبارت دیگر، یک خانه از هم گسسته، کمتر از والدینی که روابط مشکل‌زایی با یکدیگر دارند، اهمیت

^۱ Lindgren

^۲ - Gelles

دارد. بیشتر، وجود تعارض جدی بین والدین کودک است که باعث می‌شود او به طور بالقوه متخلف شود تا این مسئله که آیا آن‌ها با هم زندگی کنند یا جدا از هم. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جو درون خانواده تا حدودی وابسته به مشکلات اجتماعی-اقتصادی است و لذا خانواده‌هایی بیشتر در معرض خطر هستند که در آن‌ها ترکیبی از تعارض والدین و ناامنی اقتصادی وجود دارد. طبق تحقیقات بعمل آمده، اکثر مجرمین، یا قربانیان طلاق بوده‌اند یا در خانواده‌ای ستیزه جو رشد یافته‌اند. آسیب پذیرترین افراد درگیر مسئله طلاق، فرزندان آن خانواده هستند. آسیب‌شناسان اجتماعی یکی از عمده‌ترین علل بزهکاری کودکان را ستیز در خانواده می‌دانند و عقیده دارند جدایی والدین نقش بسیار منفی و ویرانگر در شخصیت کودکان دارد و زمینه را برای ارتکاب بزهکاری در آنان فراهم می‌آورد. اکثر بزهکاران آغاز بزهکاری و سرکشی را جدایی پدر و مادر و اختلافات خانوادگی و متشنج بودن خانواده ذکر کرده‌اند (جوادی یگانه، عدل، ۱۳۸۴: ۷۸).

براساس مبانی نظری، رشد و شکل‌گیری شخصیت و پدیده‌های تحولی از کودکی تا نوجوانی و جوانی به عوامل متعددی وابسته است. در پی درک و تأثیر محیط بر یادگیری، در سال‌های اخیر مطالعه تعامل خانواده و عوامل موجود در آن بر انگیزش، یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان افزایش یافته است (گنزالس-دی هاس، ویلیامز و دوئان هولبین^۱، ۲۰۰۵؛ اسپرا^۲، ۲۰۰۵؛ به نقل گوندیا و اردن^۳، ۲۰۰۶، ۵). بیشترین تحقیقات انجام شده در این زمینه بر موضوع سبک‌های فرزندپروری والدین و مشارکت والدین متمرکز است (گوندیا و اردن، ۲۰۰۶).

مرور اجمالی عناوین پژوهشی انجام شده در حوزه خانواده گویای این نکته است که روش‌های تربیتی و یا شیوه‌های فرزندپروری نقش مهمی را در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایفا می‌کنند (برای مثال ملک مکان و برجعلی، ۱۳۷۸؛ هیبیتی، ۱۳۸۱؛ تقی‌زاده، کمیجانی، نقاشیان، ۱۳۸۵؛ نجفی، ۱۳۹۱؛ آلن و مارش^۴، ۲۰۰۲؛ جوانا^۵، ۲۰۰۵؛ برنارد^۶، ۲۰۰۶؛ اسمیت^۷ و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل آزاد یکتا، ۱۳۹۰: ۶۷). لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه روش‌های تربیتی خانواده‌های منسجم و گسسته از لحاظ تأثیر بر رفتارهای اخلاقی-اجتماعی فرزندان آنها در شهرستان اراک اجرا گردید. بر این اساس فرضیه پژوهش به صورت زیر صورت بندی شد:

بین روش‌های تربیتی خانواده‌های منسجم و گسسته و تأثیر آن بر رفتارهای اخلاقی-اجتماعی فرزندان تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

^۱ . Gonzalez-DeHass, Willems, & Doan Holbein

^۲ . Spera

^۳ . Gondia & Urdan

^۴ . Allen & Marsh

^۵ . Jouana

^۶ . Bernard

^۷ . Smith

پژوهش حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی است و از لحاظ روش یک تحقیق توصیفی از نوع پس رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله شهرستان اراک بودند که از سلامت و مطلوبیت رفتاری برخوردار و یا نابخردار بودند. چون بررسی روشهای تربیتی خانواده مد نظر بود، والدین آنان نیز در پژوهش شرکت داده شدند. برای انتخاب آزمودنی هایی که در زندان ها بودند، از نمونه در دسترس که شامل پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله ندامتگاه ۴۵ نفر که رفتارهای نامطلوب داشتند انتخاب شدند. اطلاعات دموگرافیک پسران داخل ندامتگاه و خانواده های آنها گردآوری شده و پس از مشخص شدن وضعیت اقتصادی- اجتماعی آنها (شغل و درآمد خانواده، میزان تحصیلات والدین، وضعیت و محل سکونت) ۴۵ نفر از پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله خارج زندان، که از موفقیت تحصیلی برخوردار بودند و مشکل انضباطی در پرونده آنها درج نشده بود، به عنوان آزمودنی های گروه فرزندان خانواده های منسجم انتخاب، و از نظر وضعیت اقتصادی- اجتماعی (شغل و درآمد خانواده، میزان تحصیلات والدین، وضعیت و محل سکونت) با گروه اول همتا شدند.

ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه و مصاحبه بود. در این پژوهش پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک آزمودنی ها، و والدین آنها (پدر و مادر جداگانه)، پرسشنامه اقتدار والدین، مقیاس انسجام خانوادگی (این دو پرسشنامه توسط پسران ۱۹ تا ۲۵ سال در دو گروه اجرا شد)، و مصاحبه ساختارمند ویژه والدین (هم برای پدران و هم برای مادران در دو گروه) تکمیل شد.

روش گردآوری اطلاعات بدین صورت بود که پس از اخذ مجوز از سازمان زندانها، پژوهشگر با حضور در زندان، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک آزمودنی ها، پرسشنامه اقتدار والدین و مقیاس انسجام خانوادگی را روی پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله انتخاب شده اجرا کرد و از آنها راجع به مشارکت پدر و مادرشان در پژوهش سوال شد. سپس طی جلساتی پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک والدین آزمودنی ها (پدر و مادر جداگانه)، مصاحبه ساختارمند ویژه والدین برای پدران و مادرانی که موافق مشارکت بودند اجرا شد. برای جوانان عادی نیز پژوهشگر با حضور در مراکز خیریه تحت نظر بهزیستی و کمیته امداد، با هماهنگی مدیر مراکز و با همکاری کارشناسان موسسات خیریه، با در نظر گرفتن ویژگی های دموگرافیک آزمودنی ها، آن دسته از پسران دانشجویی ۱۹ تا ۲۵ سال بومی پسر را که وضعیت اقتصادی- اجتماعی آنها با وضعیت اقتصادی- اجتماعی آزمودنی های داخل زندانها مشابهت داشت و دارای موفقیت تحصیلی بودند و مشکل انضباطی در پرونده آنها درج نشده بود انتخاب کرده و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک آزمودنی ها، پرسشنامه اقتدار والدین و مقیاس انسجام خانوادگی را روی پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله دارای شرایط درج شده اجرا، و از آنها راجع به مشارکت پدر و مادرشان در پژوهش سوال شد. سپس طی جلساتی پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک والدین و مصاحبه ساختارمند ویژه والدین برای پدران و مادرانی که موافق مشارکت بودند اجرا شد. در نهایت، داده ها با استفاده از آزمون t برای گروه های مستقل و آزمون یو مان ویتنی تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک آزمودنی ها

اطلاعات دموگرافیک والدین آزمودنی ها (پدر و مادر جداگانه) که محل تولد، سن، میزان تحصیلات، شغل و..... را بررسی می کند.

پرسشنامه انسجام خانوادگی

پرسشنامه انسجام خانوادگی بر اساس مجموعه ای از متون موجود در زمینه همبستگی و با الهام از مدل ترکیبی السون (۱۹۹۹)، به وسیله سامانی (۱۳۸۱) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۲۸ گویه است. گویه ها به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) است. نمره گذاری به صورت «کاملاً موافقم = ۵ الی کاملاً مخالفم = ۱» در نظر گرفته شده است. حداکثر نمره قابل اکتساب در این آزمون ۱۴۰ و حداقل ۲۸ است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی باز آزمایشی برای کل مقیاس برابر ۰/۹۰ گزارش شده (سامانی، ۱۳۸۱، به نقل زارع و سامانی، ۱۳۸۷، ۲۵). همچنین در پژوهش دیگری ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده است (رزمی، ۱۳۸۳، ۱۱۹). پایایی این پرسشنامه به شیوه بازآزمایی و به فاصله یک هفته با نمونه ۳۰ نفری ۰/۸۰ گزارش شده است (زارع و سامانی، ۱۳۸۷، ۲۶). جمشیدی و همکاران در پژوهش خود، ضریب پایایی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آوردند (جمشیدی، رزمی، حقیقت، و سامانی، ۱۳۸۷، ۲۰۲). در پژوهش حاضر، این پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از پسران ۱۹ تا ۲۵ سال اجرا گردید و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

پرسشنامه اقتدار والدین

جان بوری^۱ در سال ۱۹۹۱ پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند را بازآزمایی نمود. این پرسشنامه برسنخ شناسی سبک فرزندپروری بامریند مبتنی است. دارای ۳۰ سوال است و سه سبک قاطع، مستبد و سهل گیر را اندازه گیری می کند. هر سبک دارای ۱۰ سوال و به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت تنظیم شده است. بوری (۱۹۹۱) ضرایب پایایی قابل قبولی برای این آزمون در مادران گزارش کرده است. به این صورت که، ضرایب پایایی برای سبک قاطع ۰/۷۸، سبک مستبد ۰/۸۶ و سبک سهل گیر ۰/۸۱ گزارش شده است. ضرایب ثبات درونی ابعاد پرسشنامه توسط بوری برای مادران سهل گیر ۰/۷۵، مادران مستبد ۰/۸۵، مادران

^۱ . Boury

قاطع ۰/۸۲ ، پدران سهل گیر ۰/۷۴، پدران مستبد ۰/۸۷ و پدران قاطع ۰/۸۵ به دست آمده است (کلین^۱، ۲۰۰۵، به نقل دبیری، دلاور و صرامی، ۱۳۹۰). در ایران این پرسشنامه توسط دلاور و همکاران ترجمه شده و ضرایب پایایی خرده مقیاس ها به روش همسانی درونی توسط دبیری و همکاران محاسبه و آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس های سبک فرزندپروری سهل گیر، مستبد و قاطع با ۳۱۰ نفر آزمودنی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۶ گزارش شده است (دبیری و همکاران، ۱۳۹۰، ۷). در این پژوهش قبل از اجرای اصلی پرسشنامه، به منظور محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، یک اجرای مقدماتی بر روی ۳۱ نفر از پسران ۱۹ تا ۲۵ ساله شهر اراک انجام شد. آلفای کرونباخ برای مادران سهل گیر ۰/۷۸، مادران مستبد ۰/۷۵، و مادران قاطع ۰/۷۷، پدران سهل گیر ۰/۷۹، پدران مستبد ۰/۸۱، و پدران قاطع ۰/۸۳ به دست آمد.

مصاحبه ساختارمند ویژه والدین

به منظور تکمیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه ها و تکمیل داده های مربوط به والدین، یک مصاحبه ساختارمند ۴۰ سوالی به صورت مقیاس پنج درجه ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم و به هیچ وجه) تهیه شد. جایگاه کلیه سوالات با توجه به جدول مشخصات سنجش عملکرد نوعی تعیین گردید (سنجش عملکرد نوعی، پیشنهاد راست و گولومبوک^۲، ۱۹۹۹، به نقل سیف، ۱۳۹۰، ۶۳). برای تهیه سوالات این پرسشنامه از چندین منبع استفاده شد که عبارتند از: (۱) نظریات سالوادور مینوچین^۳، موری بوئن^۴، و کارل راجرز^۵، ادبیات پژوهشی (پژوهش های انجام شده درباره خانواده)، (۳) ابزارهای ساخته شده به وسیله دیگران، (۴) متخصصان موضوع خانواده، و (۵) مشاهدات و تجربیات شخصی پژوهشگر در رابطه با موضوع (مثلا مصاحبه های خام با تعدادی از پدرها و مادرها).

در مرحله اولیه طراحی مصاحبه ساختارمند، یک فرم ۸۰ سوالی تهیه شد و در مرحله دوم، سوالات مشابه و یا غیر ضروری حذف، و در نهایت به صورت یک فرم ۴۰ سوالی تدوین گردید. به منظور افزایش روایی محتوایی سوالات مصاحبه، یک جدول مشخصات تهیه شد؛ به این ترتیب که "تجلیات" بر روی محور عمودی، و "محتوا" بر روی محور افقی قرار داده شدند. در بخش محتوا، ۷ عامل متشکل از: ۱- قانون مداری و وظیفه شناسی ۲- اتحاد و همسویی ۳- نفوذپذیری (مرزبندی) ۴- پذیرش (پذیرنده بودن) ۵-

¹ Klein

² Rust & Golombok

³ Salvador Minuchin

⁴ Murray Bowen

⁵ Carl Rogers

کارکرد عاطفی ۶-انعطاف پذیری ۷-نقش پدران-مادرانه قرار داده شد و در بخش "تجلیات" ، ۲۳ موضوع مرتبط با محتوا در نظر گرفته شد، تا بتوان به طور دقیق تر و جزئی تر به اندازه گیری محتوا مبادرت نمود.

برای بررسی روایی صوری و محتوایی فرم مصاحبه ساختارمند، نظرات ۵ نفر از اساتید، به عنوان داوران متخصص، به صورت کتبی دریافت گردید و اصلاحات طبق نظر اساتید صورت گرفت. همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه (مصاحبه) ساختارمند، یک بار اجرای آن به منظور تعیین همسانی درونی از طریق محاسبه روش آلفای کرانباخ (سیف، ۱۳۹۰) اقدام گردید. اجرای مقدماتی بر روی ۱۰ نفر از والدین که دارای پسران ۱۹ تا ۲۵ سال بودند انجام شد. در نتیجه فرم نهایی به صورتی که ابهام آمیز نباشد و برای والدین قابل فهم باشد آماده شد. متن این مصاحبه برای والدین آزمودنی های هر دو گروه (پدر و مادر) به مورد اجرا در آمد.

یافته ها

نتایج بررسی توزیع متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان داد که توزیع متغیرهای سهل گیرانه (پدر)، استبدادی (پدر)، مقتدرانه (پدر)، سهل گیرانه (مادر)، استبدادی (مادر)، اتحاد و همسویی (پدر)، پذیرش (پدر)، کارکرد عاطفی (پدر)، انعطاف پذیری (پدر)، نقش پدران-مادرانه (پدر)، اتحاد و همسویی (مادر)، کارکرد عاطفی (مادر)، انعطاف پذیری (مادر) تخطی از نرمال بودن را نشان ندادند. بنابراین برای مقایسه میانگین این متغیرها در دو گروه فرزندان با خانواده های منسجم و گسسته از آزمون پارامتریک t برای گروههای مستقل استفاده شد. اما متغیرهای قانون مداری (پدر)، مقتدرانه (مادر)، قانون مداری (مادر)، نفوذ پذیری (پدر)، نفوذ پذیری (مادر)، پذیرش (مادر)، نقش پدران-مادرانه (مادر) از توزیع نرمال پیروی نکردند. بنابراین برای مقایسه میانگین این متغیرها در دو گروه از آزمون ناپارامتریک یومان-ویتنی استفاده شد. در جدول ۱ شاخص های توصیفی متغیرهای تحت بررسی دارای توزیع نرمال و مقایسه گروهی میانگین ها با استفاده از آزمون t مستقل ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص های توصیفی روش های تربیتی خانواده های منسجم و گسسته و مقایسه میانگین های دو گروه (آزمون t)

ابزار	متغیرها	ندامتگاه		همگن		
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
					t(۸۶)	
پرسشنامه	انسجام خانواده	۸۵/۲۵	۱۳/۷۵	۱۰۴/۴۰	۱۳/۷۲	۶/۴۶۴**
	سهل گیرانه (پدر)	۲۸/۷۵	۶/۶۳	۳۲/۱۲	۵/۰۹	۲/۶۳۳**

استبدادی (پدر)	۳۳/۶۶	۷/۷۷	۳۰/۱۰	۶/۰۶	-۲/۳۶۵*
مقتدرانه (پدر)	۲۷/۷۳	۷/۸۰	۳۶/۰۵	۵/۳۲	۵/۷۹۹**
سهل گیرانه (مادر)	۲۳/۹۳	۶/۱۵	۳۳/۲۶	۵/۱۲	۲/۷۲۲**
استبدادی (مادر)	۳۱/۲۳	۶/۰۹	۳۰/۷۱	۶/۲۲	-۰/۳۸۶
مصاحبه اتحاد و همسویی (پدر)	۱۷/۱۸	۶/۲۱	۲۸/۸۶	۲/۵۴	۵۷/۵۶۹**
پذیرش (پدر)	۱۳/۷۵	۴/۰۲	۲۱/۷۴	۱/۶۸	۶۱/۶۹۸**
کارکرد عاطفی (پدر)	۹/۸۹	۴/۳۹	۱۶/۸۸	۲/۳۷	۶۶/۷۱۱**
انعطاف پذیری (پدر)	۱۶/۶۸	۴/۴۳	۱۹/۵۷	۱/۸۵	۳۷/۹۶۴**
نقش پدران مادانه (پدر)	۶/۶۸	۳/۱۷	۱۱/۷۶	۱/۴۶	۶۹/۱۹۲**
اتحاد و همسویی (مادر)	۱۴/۵۵	۷/۴۹	۲۷/۳۶	۳/۶۴	۶۲/۸۹۷**
کارکرد عاطفی (مادر)	۱۰/۳۴	۴/۳۹	۱۷/۳۳	۲/۰۰	۶۳/۷۳۰**
انعطاف پذیری (مادر)	۱۸/۸۲	۳/۵۳	۲۰/۶۷	۱/۴۸	۴۰/۹۰۱**

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

با توجه به جدول ۱ در می یابیم که تفاوت بین دو گروه در تمام متغیرهای تحت بررسی به جز مولفه ی استبدادی مادر در سطح $P < 0.05$ معنی دار است. مراجعه به مقادیر میانگین ها نشان می دهد که در خانواده های منسجم سهل گیری، اتحاد و همسویی، پذیرش، کارکرد عاطفی، انعطاف پذیری، و نقش هم در پدران و هم در مادران، و همچنین اقتدار در پدران بیشتر، و استبداد در پدران کمتر از خانواده های گسسته است.

جدول ۲- شاخص های توصیفی روش های تربیتی خانواده های منسجم و گسسته و مقایسه ی میانگین های دو گروه (آزمون یو

مان-ویتنی)

ابزار	متغیرها	ندامتگاه	همگن
-------	---------	----------	------

میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	یو مان ویتنی
۳۲/۸۹	۷/۵۹	۳۸/۸۶	۳/۸۲	۵۲۳/۰**
۱۲/۵۵	۴/۲۷	۱۷/۴۳	۱/۲۳	۱۶۹/۵**
۱۰/۰۰	۲/۹۳	۱۳/۷۴	۰/۸۰	۱۷۷/۰**
۱۲/۴۵	۴/۶۹	۱۷/۵۲	۱/۵۲	۲۷۷/۵**
۹/۷۰	۳/۱۲	۱۳/۶۷	۱/۱۶	۲۵۵/۰**
۱۵/۱۱	۳/۴۶	۲۲/۳۳	۱/۷۶	۷۲/۵**
۹/۸۰	۳/۲۷	۱۳/۲۱	۰/۸۴	۲۷۳/۰**

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

با توجه به جدول ۲ در می یابیم که تفاوت بین دو گروه در تمام متغیرهای تحت بررسی در سطح $P < 0.05$ معنی دار است. مراجعه به مقادیر میانگین ها نشان می دهد که در خانواده های منسجم قانون مداری و نفوذپذیری هم در پدران و هم در مادران، و همچنین اقتدار، پذیرش، و نقش در مادران بیشتر از خانواده های گسسته است.

جدول ۳- شاخص های توصیفی رفتارهای اخلاقی - اجتماعی فرزندان خانواده های منسجم و گسسته و مقایسه ی میانگین های

دو گروه (آزمون t)

متغیرها	ندامتگاه	همگن
میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
میانگین	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد
۳۱/۲۰۵	۷/۳۲	۵۰/۴۰۱
۴/۸۹	۴/۸۹	۱۲/۱۰۴**

* $P < 0.05$, ** $P < 0.01$

جدول ۳ نشان می دهد که تفاوت بین دو گروه از لحاظ رفتارهای اخلاقی و اجتماعی در سطح $P < 0.05$ معنی دار است. مراجعه به مقادیر میانگین ها نشان می دهد که فرزندان خانواده های منسجم رفتارهای مطلوب اخلاقی - اجتماعی بیشتری در مقایسه با فرزندان خانواده های گسسته دارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که بین روش های تربیتی خانواده های منسجم و گسسته تفاوت های اساسی وجود دارد. میانگین انسجام خانواده در گروه ندامتگاهی به صورت معناداری کمتر از گروه همگن بود. شیوه سهل گیرانه و مقتدرانه (پدر) در گروه ندامتگاهی کمتر از گروه همگن، و شیوه استبدادی (پدر) در گروه ندامتگاهی بیشتر از گروه همگن بود. نتایج مصاحبه با والدین نیز بیانگر این بود که اتحاد و همسویی، نفوذپذیری، پذیرش، کارکرد عاطفی، انعطاف پذیری، نقش پدرانه- مادرانه، قانون مداری (پدر)، مقتدرانه (مادر)، قانون مداری (مادر)، نفوذپذیری (پدر)، نفوذپذیری (مادر)، پذیرش (مادر)، نقش پدرانه- مادرانه (مادر) در گروه ندامتگاهی به صورت معناداری کمتر از گروه همگن بود. همچنین مشخص شد که رفتارهای مطلوب اخلاقی- اجتماعی در فرزندان خانواده های منسجم به طور معناداری بیشتر از فرزندان خانواده های گسسته است.

یافته های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات شامخی (۱۳۹۲) در خصوص کمتر بودن اختلالات رفتاری کودکان در خانواده سالم در مقایسه با خانواده های نا سالم، زارع (۱۳۹۲) که نشان داد سبک فرزندپروری اقتداری والدین با سلامت روانی فرزندان رابطه معنادار مثبت دارد، ولی سبک فرزندپروری آمرانه و سهل گیرانه والدین با سلامت روانی فرزندان رابطه معنادار منفی دارد، صادق خانی، علی اکبری دهکردی و کاکوجویباری (۱۳۹۱) که دریافتند مادران کودکان با اختلال لجبازی - نافرمانی نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر از شیوه های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه، و کمتر از شیوه فرزندپروری مقتدرانه استفاده می کنند، اقدسی، نجفی، اسماعیلی، پناه علی و محمدی (۱۳۹۰) که نشان دادند والدین مسامحه کار بیشترین فرزندان بزهکار را دارند و والدین مقتدر بیشترین فرزندان سالم را تربیت می کنند، نقی پور (۱۳۹۰) که نشان داد بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه با سخت رویی فرزندان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ولی بین شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با سخت رویی فرزندان رابطه معنی داری وجود ندارد، همخوان است.

همچنین با نتایج بررسی ها و مطالعات قدیمی (۱۳۹۰) که دریافت ارتباطات شناختی درون خانواده بیشترین اثر، و ارتباطات ساختاری برون خانواده کمترین اثر را بر بزهکاری دانش آموزان دارد، خوشبخت (۱۳۹۰) که نشان داد باورهای ترقی خواهانه و مستبدانه والدین تأثیر متفاوتی بر رفتارهای کم گویی، گوشه گیری فعال، و بازی اجتماعی کودکان دارد، پاکدامن، خامسان و براتی (۱۳۹۰) که دریافتند سبک اقتدار منطقی پیش بینی کننده مثبت و معنی داری برای بلوغ اجتماعی و ابعاد آن است، فضلی (۱۳۸۹) که نشان داد شیوه تربیتی والدین مقتدر و آسان گیر با نگرش مثبت نوجوانان به رفتارهای بزهکارانه رابطه معکوس و معنی داری دارد، ولی شیوه تربیتی مستبدانه با نگرش مثبت نوجوانان به رفتارهای بزهکارانه رابطه معنی داری ندارد، لیدی، گوئرا و

تورو^۱ (۲۰۱۰) که دریافتند "انسجام خانوادگی" بر پیش بینی ارتقاء مهارتهای حل مسائل اجتماعی و خودکارآمدی اجتماعی فرزندان تاثیر دارد و "فرزند پروری مثبت" ارتقاء خودکارآمدی اجتماعی فرزندان را پیش بینی می کند، همسو است. علاوه بر این نتایج پژوهشهای پیتزبارگ^۲ و همکاران (۲۰۱۰) که در پژوهشی که بر روی کودکان بی-سرپرست مشاهده کردند که این کودکان دارای اختلالات شناختی، رفتاری و رشدی هستند، لای^۳ (۲۰۱۲) که نشان داد کیفیت زناشویی والدین و محیط خانوادگی قدرت پیش بینی کنندگی رفتارهای بزهکارانه ی نوجوانان را دارد، اسیتسما، ندرهوف، وینسترا، اورمل، اولدهینکل و الیس^۴ (۲۰۱۳) که در یافتند کاهش انسجام خانوادگی برافزایش سطوح پرخاشگری/ قانون شکنی و کاهش رفتار جامعه یار تاثیر دارد، برناردی و رادل (۲۰۱۴) نشان داد جدایی والدین رابطه منفی با دستاورد فرزندان در مقاطع دانشگاهی دارد، فیلیاس و بلسینگ ابیسولا^۵ (۲۰۱۰) که بین انسجام خانواده و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه مستقیم به دست آوردند، نیز با نتایج این پژوهش در یک راستا قرار می گیرند.

آنچه مسلم است این است که سطح بهداشت روانی فرزندان در خانوادههای گسسته از خانوادههای منسجم پایین تر است. این یافته ها (در مجموع) حاکی از اهمیت نقش شیوه فرزند پروری و کارکرد خانواده در ویژگی های رفتاری فرزندان است. در واقع می توان گفت شیوههای فرزندپروری متفاوت، تأثیرات متفاوتی بر ویژگیهای روانی و رفتاری فرزندان دارد.

به عنوان مثال، والدین مقتدر ارتباط روشنی با کودک خود دارند و برای جلب موافقت کودک دلیل منطقی و عاقلانه می آورند. احساس و عقیده ی کودک را در امور مختلف جویا می شوند و در برابر کارهای کودک عکس العمل مناسب نشان می دهند. برای تصمیمها و نظرهای فرزندان خود احترام و ارزش قائلند و ضمن ابراز محبت به فرزندان، با آنها گرم و صمیمی هستند. بین افراد خانواده همکاری و صمیمیت وجود دارد. والدین مقتدر خواستههای منطقی دارند و خواستههایشان را از طریق گذاشتن محدودیت-هایی، با تأکید بر اطاعت، اجرا می کنند. آنها که دارای روشی گرم، پذیرنده، فرزندمحور و همراه با کنترل متعادلند، به فرزندان اجازه قبول مسئولیت متناسب با سن را می دهند و محیطی فراهم می کنند که در آن حداکثر مصالح کودک برای تبدیل شدن به یک فرد مطمئن و مستقل فراهم شده است. فرزندان دارای والدین مقتدر می آموزند که تعارض وقتی به بهترین وجه رفع می شود که نظرهای طرف مقابل در یک مذاکره ی دوستانه به حساب آورده شود. این مجموعه مهارتها باعث حل مشکل به صورت مشترک و مؤثر شده و روابط خوبی با همسالان را سبب شده، درنهایت به تشکیل یک شبکه ی خوب حمایت اجتماعی منجر می شود.

1 . Leidy, Guerra, & Toro

2 . Petersburg

3 . Lai

4 . Sijtsema, Nederhof, Veenstra, Ormel, Oldehinkel, & Ellis,

5 . Philiass & Blessing Abisola

در واقع، اگر خانواده متعادل باشد، هر فرد در موقعیت واقعی خویش قرار گرفته و از جانب دیگران نیز حمایت و تأیید می شود. نگاه افراد به همدیگر تکمیلی، حمایتی و اصلاحی است. اغماض به موقع، تذکر به جا، حمایت قاطع و اصلاح کیفی رفتارها و عملکردها در آن موج می زند. نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد نسبت به هم، احساسات و علاقه آن ها به یکدیگر، چگونگی دخالت یا عدم دخالت آن ها در کارهای هم، و همکاری یا رقابت آن ها با یکدیگر باعث شکل گیری رفتارهای مطلوب اجتماعی-اخلاقی در فرزندان می شود. جو خانواده های گرم و پذیرنده همچون سپری در مقابل آسیب های روانی از قبیل اضطراب، افسردگی و درماندگی آموخته شده فرد را محافظت می کند، و خانواده های گسسته چون فاقد این نوع روابط هستند موجب شکل گیری رفتارهای نامطلوب اجتماعی-اخلاقی می شوند.

بنابر این، لازم است والدین از تأثیر هر یک از این الگوهای فرزندپروری بر وضعیت روانی و رفتاری فرزندانشان آگاهی داشته باشند تا بتوانند از آسیب های اجتماعی فرزندان پیشگیری نمایند. تأثیرات متقابل کودک و والدین، و نحوه برخورد والدین با کودک از مهم ترین و بنیادی ترین عوامل است و توانمند ساختن خانواده به ویژه مادران در پیشگیری و یا در درمان مشکلات رفتاری نقشی سازنده و اساسی دارد.

از محدودیتهای پژوهش حاضر می توان به تصادفی نبودن روش نمونه گیری، محدود بودن جامعه آماری به جوانان شهر اراک و در نظر نگرفتن نقش متغیرهای واسطه ای تأثیر گذار از جمله متغیرهای دموگرافیک والدین اشاره کرد که پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی مورد توجه و بررسی قرار گیرند.

فهرست منابع

- اقدسی، علی نقلی، نجفی، سولماز، اسماعیلی، رقیه، پناه علی، امیر و محمدی، اکبر (۱۳۹۰). مقایسه ی شیوه های فرزندپروری والدین نوجوانان پسر بزهکار و عادی. *زن و مطالعات خانواده*، ۴(۱۳)، ۱۵۱-۱۴۱.
- آزادیکتا، مهرناز (۱۳۹۰). بررسی رابطه سخت رویی با شیوه های مختلف فرزندپروری والدین در دانش آموزان دختر دبیرستانی. *پژوهشهای روان شناختی*، ۲۷، ۶۵-۷۳.
- پاکدامن، مجید، خامسان، احمد و براتی، فخرالسادات (۱۳۹۰). نقش سبک های فرزندپروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان (تیزهوش، آهسته گام و عادی). *مطالعات روان شناسی تربیتی*، ۸(۱۴)، ۲۳-۴۰.
- جعفری، محمدعلی (۱۳۸۸). *مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در گونه های مختلف خانواده براساس مدل فرایند و محتوای خانواده*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

- جمشیدی، بهنام، رزمی، محمد رضا، حقیقت، علی، و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). رابطه انسجام و انعطاف پذیری خانواده با ابعاد کمال گرایی. *روانشناسی و روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۵۳، ۲۰۵-۱۹۹.
- جوادی یگانه، محمدرضا و فروع الدین عدل، اکبر. (۱۳۸۴). مسئله دختران فراری. تهران: طرح آینده.
- خوشبخت، فریبا. (۱۳۹۰). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با رفتارهای غیراجتماعی و اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی در بازی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۷(۲۹)، ۸۷-۱۰۶.
- دبیری، سولماز، دلاور، علی و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۰). نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری و حرمت خود در شادکامی دانشجویان. *روانشناسی تربیتی*، ۲۰، ۱۶-۱.
- رزمی، محمدرضا. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده بر شکل‌گیری هویت در جوانان و نوجوانان شهر شیراز. *مطالعات جوانان*، ۷، ۱۱۴-۱۳۰.
- زارع، فاطمه. (۱۳۹۲). تعیین رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و سلامت روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران.
- زارع، مریم و سامانی، سیامک (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. *خانواده پژوهی*، ۴(۱۳)، ۱۷-۳۶.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). مدل علی برای همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی و سازگاری. پایان‌نامه دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). ساختن ابزارهای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهشی در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: دیدار.
- شامخی، نجمه. (۱۳۹۲). مقایسه میزان اختلالات رفتاری کودکان در گونه‌های مختلف خانواده براساس مدل فرایند و محتوای خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- صادق‌خانی، اسدالله، علی اکبری دهکردی، مهناز و کاکوجویباری، علی اصغر. (۱۳۹۱). مقایسه‌ی شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۹ سال دوره ابتدایی با اختلال لجبازی - نافرمانی و عادی در شهرستان ایلام. *افراد استثنایی*، ۶، ۱۱۴-۹۵.
- فضلی، وحید. (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه‌های تربیتی والدین و نگرش به رفتارهای بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر تهران. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۵(۱۴)، ۷۹-۱۱۲.

قدیمی، ماشالله. (۱۳۹۰). نقش خانواده در بزهکاری نوجوانان و جوانان در شهرستان ساوجبلاغ. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق و جزا، دانشگاه پیام نور واحد کرج.

معمدی، سیدهادی. (۱۳۸۲). اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران. طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

نقی‌پور، مسعود. (۱۳۹۰). رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با سخت‌رویی فرزندان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۲(۲)، ۳۰-۱۳.

- Baldwin, J. (1945). Parent-adolescence conflict in early adolescence. *Journal of the behavioral medicine*, 27-41.
- Boury, J. (1991). The roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict among African American, Latino, and European American families. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 1-10.
- Fitzpatrick, M.A. (2004). The family communication patterns theory: Observation on its development and application. *Journal of family communication*, 4, 167-179.
- Gondia, N., & Urdan, T. (2006). Parental influences on student motivation, affect and academic behavior: Introduction to the special issue. *European Journal of Psychology of Education*, 22, 3-6.
- Koot, G.S., & Wallander, J.G. (2001). *Quality of life child and adolescent illness*. New York: Brunner Routledge.
- Lai, Ch.S. (2011). Parental marital quality and family environment as predictors of delinquency amongst selected secondary school students in Malaysia. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 2(2), 102-121.
- Leidy, M.S., Guerra, N.G., & Toro, R.I. (2010). Positive parenting, Family cohesion Latino families competence among immigrant. *Family psychology*, 24(3), 252-260.
- Olson, D.H. (1999). Circumplex model of marital and family systems (Empirical approaches to family assessment). *Journal of family therapy*, 22(2), 144-167.
- Paquette, D., Bolte, C., Turcotte, G., Dubeau, D. & Bouchard, C. (2000). A new typology of fathering: defining and associated variables. *Infant and Child Development*, 9(4), 213-230.
- Petersburg- USA Orphanage Research Team. (2010). Characteristics of children, caregivers and orphanages for young children in St, Petersburg, Russian federation. *Applied developmental psychology*, 26, 477-506.
- Philiat, O.Y. & Blessing Abisola, T.Y. (2010). Broken homes and academic performance of adolescents in secondary school. *The Journal of International Social Research*, 3(12), 469-487.
- Samani, S. (2005). Family process and content model. Paper presented in international society for theoretical psychology conference, 20-24 June, cape Town, South Africa.
- Samani, S. (2011). Family process and content model, a contextual model for family studies. *Procedia Social Behavioral Sciences*, 30, 2258-2292.
- Seligman, M.E.P., & Rosenhan, D.L. (1998). *Abnormality*. New York: W.W. Norton.

- Sijtsema, J.J., Nederhof, E., Veenstra, R., Ormel, J., Oldehinkel, A.J., & Ellis, B.J. (2013). Effects of family cohesion and heart rate reactivity on aggressive/ rule-breaking behavior and prosocial behavior in adolescence: The Tracking Adolescents' Individual Lives Survey study. *Development and Psychopathology*, *25*, 699–712.
- Thompson, M., Raynor, A., Cornah, D., Stevenson, J. & Sonuga-Barke, J. (2002). Parenting behavior described by mothers in a general population sample. *Child Care Health and Development*, *28*, 55-149.
- Waylen, A. & Stewart-Brown, S. (2008). Parenting in ordinary families, Diversity, complexity and change. Joseph Rowntree Foundation, Retrieved from www.jrf.org.uk.